

(مروری بر تاریخچه پر رمز و راز آئین مقدس هالوین در مسیحیت)

نویسنده: جک سانتینو^۱

مترجم: سیما زریسفی

پیدایش هالوین یا شب اولیا به یکی از مراسم و آیین‌های باستانی سلتیان^۲ باز می‌گردد که برای مردگان برگزار می‌شده است. سلتیان که زمانی در سرتاسر اروپا پراکنده بودند، هر سال را به چهار روز از ایام عمده مذهبی تقسیم کرده بودند. براساس گاه‌شماری به کار رفته توسط سلتیان، سال با فرارسیدن روزی که در تقویم و سالنامه‌های ما با اول ماه نوامبر برابر است، آغاز می‌گردید. این تاریخ در واقع، زمانی بود که شروع فصل زمستان را مشخص می‌کرد.

سلتیان عقیده داشتند که در این ایام، بیش از هر زمان دیگری از سال، این امکان برای مردگان وجود دارد که وارد جمع زندگان شوند و با آنان درآمیزند. در همین زمان، ارواح کسانی که در طول سال از دنیا رفته بودند، به جهان دیگر سفر می‌کنند، لذا مردم برای قربانی کردن حیوانات و خیرات انواع میوه‌ها و سبزیجات گردهم می‌آمدند و آتش عظیمی برپا می‌کردند تا مردگان را در پیمودن راه این سفر مساعدت کنند.

از آنجا که این قوم به کار شبانی اشتغال داشتند، این تاریخ برای آنان زمانی را مشخص می‌کرد که گله‌ها و گوسفندان می‌بایست به مراتع و چراگاه‌های محصورتری منتقل شوند و تا پایان فصل زمستان در آن مناطق در امان بمانند. در این زمان لازم بود تا تمامی غلات و محصولات برداشت شده، در انبارها ذخیره و نگهداری شوند. این تاریخ نشان‌دهنده پایان یک دوره و آغاز دوره دیگری بود که در چرخه‌ای دایمی جریان داشت. در این ایام جشنواره یا مراسمی برگزار می‌گردید که

به آن ساوین^۳ می‌گفتند. این جشن در واقع با اهمیت‌ترین مراسم مذهبی سلتیان به‌شمار می‌رفت. سلتیان عقیده داشتند که در این ایام، بیش از هر زمان دیگری از سال، این امکان برای مردگان وجود دارد که وارد جمع زندگان شوند و با آنان درآمیزند. در همین زمان، ارواح کسانی که در طول سال

* هالوین یکی از آئین‌های پر رمز و راز مسیحی است که ریشه آن به آئین برداشت محصول (ساوین) قوم سلت که زمانی در سراسر اروپا پراکنده بودند، باز می‌گردد. در این روز مقدس مردم با تغییر چهره و لباس‌های مبدل در خیابان‌های شهر رژه می‌روند و در قالب کاروان‌های شادی، سنت‌های ریشه‌دار را به نمایش می‌گذارند و ارواح شریر را با دادن خوراکی‌ها و نوشیدنی‌های بسیار به‌طور نمادین دلجویی می‌کنند و با این کار مرگ و جایگاه آن را به عنوان بخشی از زندگی، طی مراسمی مفرح جشن می‌گیرند. گفتنی است در این خصوص چندین فیلم‌سینمایی از شبکه‌های مختلف سیما پخش شده است.

از دنیا رفته بودند، به جهان دیگر سفر می‌کنند، لذا مردم برای قربانی کردن حیوانات و خیرات انواع میوه‌ها و سبزیجات گردهم می‌آمدند و آتش عظیمی برپا می‌کردند تا مردگان را در پیمودن راه این سفر مساعدت کنند و آنان را از زندگان دور نگه دارند؛ چرا که به عقیده آنان در این زمان تمامی موجودات شریر، از جمله ارواح پلید، اهریمنان و شیاطین در فضایی تاریک و ترس‌آور، پراکنده بودند.

ساوین از زمانی به هالووین کنونی و یا شب اولیایی، که همه ما با آن آشنایی داریم، تبدیل گردید که هیئت‌ها و مبلغان مذهبی مسیحی تلاش زیادی در جهت تغییر اعمال مذهبی سلتیان انجام دادند. در قرون اولیه هزاره نخست پس از میلاد، پیش از آنکه مبلغانی چون سنت پاتریک^۴ و سنت

کالومسیل^۵ سلتیان را به کیش مسیحیت درآوردند، آنان (سلتیان) آداب مذهبی دقیق و مفصلی را در میان طبقات روحانی خود، متشکل از کاهنان، شاعران، دانشمندان و دانش پژوهان عصر خود به جای می‌آوردند. این کاهنان که در مقام رهبران مذهبی، عالمان آیین‌های عبادی و تعلیم دهندگان دینی بودند، بی‌شبهت به بسیاری از

پاپ به مبلغان خود آموخته بود که به جای ریشه‌کن کردن و از میان بردن رسوم و باورهای سنتی مردم، آنها را در راه اهداف خود به کار گیرند و به آنان سفارش می‌کرد که (مثلاً) هرگاه دیدند گروهی از مردم درختی را می‌پرستند و با این کار خود مانع از قطع کردن آن می‌شوند، این کار را به نوعی مسیحیت مرتبط کنند و اجازه دهند که همچنان ادامه یابد.

مبلغان مذهبی و راهبانی نبودند که قصد مسیحی کردن مردمانی را داشتند که آنان را عابدان شیطان صفت یا اهریمنی می‌نامیدند.

نتیجه تلاش‌های مسیحیان در جهت زدودن آیین‌هایی چون ساوین این بود که موفق شدند با ایجاد تغییرات عمده و قابل توجه در آیین‌ها، آنها را به شکل تازه‌تری درآورند.

در سال ۶۰۱ پس از میلاد، پاپ گرگوری اول، در باب آداب و عقاید بومی و سنتی مردمی که قصد داشت آنان را به کیش مسیحیت درآورد، فرمانی را صادر کرد که تا تاکنون به صورت قانون شناخته شده و مشهوری در میان مبلغان او درآمده است. پاپ به مبلغان خود آموخته بود که به جای ریشه‌کن کردن و از میان بردن رسوم باورهای سنتی مردم، آنها را در راه اهداف خود به کار گیرند و به آنان سفارش می‌کرد که (مثلاً) هرگاه دیدند گروهی از مردم درختی را می‌پرستند و با این کار خود مانع از قطع کردن آن می‌شوند، این کار را به نوعی به مسیحیت مرتبط کنند و اجازه دهند که همچنان ادامه یابد.

این طرز فکر ایده‌آل و درخشان که برای کمک به گسترش مسیحیت بود، [رفته رفته] به اساس کار مبلغان یا هیئت‌های مذهبی کاتولیک تبدیل شد. ایامی که کلیسا مقدس می‌شمرد، به عمد با ایامی که تقدیس آنها ریشه در عقاید رایج بومی و سنتی داشت، منطبق شد. برای مثال، برای عید

کریسمس تاریخ ۲۵ دسامبر را اختیار کرده بودند که همزمان با جشنی می‌شد که اغلب مردم به مناسبت فرارسیدن چله زمستان برپا می‌کردند. چنانکه روز سنت جان^۶ را نیز با آغاز چله تابستانی مطابقت داده بودند. حال نوبت به آیین «ساوین» می‌رسید که با تکیه و تأکیدی که بر موجودات ماوراءالطبیعی داشت، قطعاً آیینی کفرآمیز به‌شمار می‌رفت. مبلغان مسیحی، در همان حال که ایام مذهبی خود را با ایام مقدس سلطیان یکی می‌کردند، خدایان ماوراءالطبیعی مذاهب پیشین را موجودات شریری قلمداد کرده، وانمود می‌کردند که همه آنها همنشین شیاطین و ارواح پلید بوده‌اند و به تبع آن کاهنان نیز به عنوان نمایندگان مذهب رقیب، عابدان شریری محسوب می‌شدند که به پرستش ارواح و خدایان شیطانی و اهریمنی می‌پرداختند. تنها در این میان دوزخ سلطیان به ناگزیر با جهنم مسیحیان یکی شد. از تأثیرات این خط مشی آن بود که بدون ریشه‌کن کردن ریشه‌کن کردن کامل اعتقادات رایج سنتی، آنها را کم‌رنگ می‌کرد، اما در عین حال همین که کلیسا به عمد سعی می‌کرد این خدایان موجودات ماوراءالطبیعی را خطرناک و بدخواه معرفی کند، موجب شد که باور سلطیان به این موجودات شدت بیشتری بگیرد. پیروان مذاهب و آیین‌های قدیم به محاق فراموشی رفتند و در زمره ساحران و افسونگران شمرده شدند. جشن مسیحی قدیسان که در اول ماه نوامبر برگزار می‌گردید، روزی بود که در آن تمامی قدیسان مسیحی به ویژه کسانی که روز خاصی به آنان اختصاص داده نشده بود، مورد تجلیل و احترام قرار می‌گرفتند. این روز جایگزینی برای مراسم ساوین در نظر گرفته شد تا به این ترتیب نظر سلطیان را به خود جلب کند و در نهایت برای همیشه جای آن را بگیرد. این امر به‌طور کامل اتفاق نیافتاد، اما با این کار پایه و مقام خدایان سلتی به سطح موجوداتی چون جن و پری تنزل یافت. عقاید و باورهای کهنی که با آیین ساوین در ارتباط بودند، هیچ‌گاه به‌طور کامل از میان نرفتند. این سفر نمادین، یعنی انتقال مردگان به دنیای دیگر، با چنان باور اساسی و عمیقی در روح بشر آن روز جای گرفته بود که هیچ‌گاه نمی‌توانست با مراسم تازه‌ای چون جشن کاتولیک کم محتوایی که در بزرگداشت قدیسان مسیحی برگزار می‌شد، به کناری رود. لذا با درک و تشخیص این مطلب که یافتن آنچه بتواند جوهره اصلی آیین ساوین را دربرداشته باشد، ضرورتی دوباره یافت. از این رو کلیسا این بار سعی کرد آن را با یکی از جشن‌های مسیحیت قرن نهم جابه‌جا کند. این روز مطابق با دوم نوامبر و به عنوان روز ارواح یا روزی شناخته می‌شد که مردم برای ارواح همه مردگان به دعا و نیایش می‌پرداختند، اما این بار نیز تلاش برای حفظ و نگهداری آیین‌های باستانی که با ارائه تعاریف جدیدی از آنها صورت می‌گرفت، تأثیری به جا گذاشت که بیشتر جنبه تقویتی داشت، لذا باورها و آداب سنتی همچنان و البته با چهره‌ای جدید و در هیأتی تازه باقی ماندند و به حیات خود ادامه دادند. این روز مقدس به هالووین شهرت یافت (که همان معنی مقدس را می‌داد) و به این ترتیب عقاید رایج و سنتی سلطیان همچنان ادامه یافت. شامگاه پیش از روز، زمان پرداختن هرچه بیشتر نوع بشر و انواع موجودات ماوراءالطبیعی به فعالیت‌های خاص آن بود. مردم به برگزاری جشن شب اولیاء که به

ارواح سرگردان مردگان اختصاص یافته بود، ادامه می‌دادند. اما دیگر وضع به گونه‌ای شده بود که موجودات ماوراءالطبیعی را در زمره شیاطین می‌پنداشتند. در طول این شب‌ها مردم همواره سعی داشتند خشم این ارواح را (که هویت خود را پشت نقابی پنهان می‌داشتند) فرو نشانند و با تدارک هدایایی از انواع خوردنی‌ها و نوشیدنی‌های مختلف رضایت آنان را به خود جلب کنند و به همین منوال بود که بعدها این روز به شامگاه اولیا و یا همان شب هالووین شهرت یافت. در این شب وجود بسیاری از مخلوقات ماوراءالطبیعی به این اولیا و مقدسان پیوند داده شد. مثلاً در ایرلند، پریان در شمار مخلوقات افسانه‌ای درآمدند که در شب اولیا به گردش درمی‌آمدند.

یکی از قطعات کهن فولکلور که در این شب خوانده می‌شود «آلیسون گراس»^۷ نام دارد. این داستان روایت مردی است که ملکه پریان در شب اولیا او را از طلسم یک ساحر رها ساخت:

آلیسون گراس در آن قلعه زندگی می‌کند.

کریه‌ترین ساحر کشور شمالی

او مرا به خزنده زشتی تبدیل کرده است

تا پیوسته دور یک درخت بگردم

اما چنان که در شب اولیای گذشته اتفاق افتاد

هنگامی که موکب پریان می‌گذشت

ملکه آنها بر بستری از گل‌های صحرایی فرود آمد

در نزدیکی همان درختی که دیگر آنجا نخواهم ماند

او بار دیگر مرا به شکل واقعی خودم درآورد

و اکنون من دیگر به دور آن درخت نمی‌گردم.

در انگلستان قدیم، در این روز کیک‌هایی را برای ارواح سرگردان تدارک می‌دیدند و هالووین که زمانی برای تأثیر انواع سحر و جادو تلقی می‌شد، براساس چنین باور و عقایدی، به روزی برای تفأل و پیش‌گویی تبدیل شد. برای مثال، عقیده داشتند که اگر در شب هالووین، افراد در حالی که آینه‌ای را در دست خود دارند، عقب‌عقب از پله‌های زیرزمین پایین بروند، چهره شخصی در آینه پدیدار خواهد شد که عاشق و خواهان آنان خواهد بود. در حقیقت، رد و اثر تمامی آداب و رسوم رایج در هالووین کنونی را می‌توان در مراسم روزی که سلتیان باستان به مردگان خود اختصاص داده بودند، یافت.

هالووین از ایام مقدسی است که آداب و سنن پر رمز و رازی دارد؛ آداب سنتی که در پشت هر یک از آنها تاریخچه و یا حداقل داستانی نهفته است. برای مثال، پوشیدن لباس‌های خاص محلی و در طلب خوراک رایگان از این خانه به آن خانه رفتن، می‌تواند نشانی از دوران سلتیان و چند قرن اول دوران پس از میلاد باشد که تصور می‌شد ارواح مردگان به همراه پریان، ساحران و شیاطین در

همان اطراف می‌گردند و خوردنی‌ها و نوشیدنی‌هایی که برای آنان (شیاطین و پریان) کنار گذاشته می‌شود، آنان را تسکین می‌دهد و رضایت‌شان را جلب میکند. با گذشت قرن‌ها، مردم خود شروع به پوشیدن لباس‌هایی می‌کردند که آنان را به شکل این موجودات ترسناک درمی‌آورد و در قبال حرکات عجیب و غریبی که از خود نشان می‌دادند، غذا و نوشیدنی طلب می‌کردند. این کار که نوعی بازی نقابداری بود، منشأ شوخی و سرگرمی‌های دیگری شد که در این شب به آنها پرداخته می‌شد. در میان لباس‌های مبدلی که در این روز برای تغییر قیافه برگزیده می‌شود، لباس‌ها و نقاب‌هایی که به شکل جادوگران، ارواح و اسکلت مردگانند، محبوبیت خاصی دارند. هالووین، همچنین جنبه‌هایی از این آداب را در خود حفظ کرده است که در اصل به همان روز برداشت محصول «ساوین» برمی‌گردد. آدابی چون کنده‌کاری و تزئین انواع میوه‌ها و سبزیجات و یا استفاده

هالووین از ایام مقدسی است که آداب و سنن پر رمز و رازی دارد؛ آداب سنتی که در پشت هریک از آنها تاریخچه و یا حداقل داستانی نهفته است. برای مثال، پوشیدن لباس‌های خاص محلی و در طلب خوراک رایگان از این خانه به آن خانه رفتن، می‌تواند نشانی از دوران سلطیان و چند قرن اول دوران پس از میلاد باشد که تصور می‌شد ارواح مردگان به هرماه پریان، ساحران و شیاطین در همان اطراف می‌گردند.

از خشکبار و شرابی که خاص این روز بوده است از آن جمله‌اند.

امروزه هالووین بار دیگر به همین شکل یعنی طی مراسمی نظیر بالماسکه و یا کاروان شادی^۸ برگزار می‌شود.

اجتماعی از مردان و زنان با هر چهره و لباس مبدلی که به تصور درآید، در خیابان‌های شهرهای بزرگ آمریکا رژه می‌روند و صورتک‌ها یا فانوس‌هایی را که با کنده‌کاری (میوه‌ها یا اشیای دیگر) مزین شده‌اند، به تماشا می‌گذارند تا بار دیگر این سنت‌های ریشه‌دار را نمایش دهند.

آنان با چهره‌های ماسک زده خود، که نمادی از ارواح سرگردان و نیروهای ترسناک مافوق بشری است، روح و دنیایی را که در این شب، وارونه قابل تغییر و تفوق شده است را به مبارزه دعوت می‌کنند و ضمن استهزای ارواح شریر با دادن خوراکی‌ها و نوشیدنی‌های بسیار، به طور نمادین از آنان دلجویی و استمالت می‌کنند و با این کار، مرگ و جایگاه آن را به عنوان بخشی از زندگی خود، طی آیین و مراسم مفرحی که در یک شامگاه سحرآمیز و مقدس برگزار می‌شود، مورد تصدیق و تأکید قرار می‌دهند.

- 1- Jack Dantion
- 2- Selts
- 3- Sah-Ween
- 4- St.Patrick
- 5- St.Columcille
- 6- St.John's da
- 7- Alison Groess
- 8- Mardi Gras